



صنعت نفت و سرمایه‌گذاران‌های اندک

سایه تحریم‌ها، آفتاب فرصت‌ها

نگاه آقای حمید دوست محمدیان، سرپرست مدیریت پشتیبانی و تدارکات طرح‌ها و پروژه‌های شرکت پتروپارس

تحریم اقتصادی ایران، مسیری طولانی است با مراحل و مراتب متعدد که گذر از هر مرحله، موجب بروز مقاومت‌ها و مخالفت‌های سیاسی و اقتصادی فراوانی در اعضای شورای امنیت و جامعه جهانی شده و هزینه سنگینی برای غرب در پی داشته است. در این میان و به اعتقاد بسیاری از کارشناسان، کشاندن جامعه جهانی به تحریم کامل و همه‌جانبه علیه ایران، بسیار دشوار به نظر می‌رسد.

تحریم‌های سرمایه‌گذاری و صنعتی و اعمال محدودیت و ممنوعیت در عقد قراردادهای صنعتی که هم‌اکنون توسط آمریکا و بنا بر قانون داماتو درباره ایران به اجرا گذاشته می‌شود، بسیاری از قراردادهای جاری صنایع کشور را به ویژه در صنعت نفت، پتروشیمی و نیرو تحت تأثیر قرار داده و بار سنگینی را هم بر شرکت‌های خارجی فعال در ایران تحمیل نموده است. به عنوان مثال، در بسیاری موارد در قراردادهای EPC که در آن پیمانکاران مسئولیت تأمین کالا را عهده‌دار می‌باشند، بسیاری از شرایط مندرج در قراردادها مورد تأیید طرف قرارداد نبوده و قراردادهای مذکور تنها با پیش پرداخت بیش از ۲۵ درصد مبلغ قرارداد و پرداخت ۹۰ درصد وجه کالا بر

اساس خرید مواد خام، بازرسی کالا و درصد کمی در حدود ۱۰ درصد، برای حمل و ورود کالا به سایت عملی می‌باشند. در شرایط تحریمی کنونی، بسیاری از سازندگان و فروشندگان خارجی حاضر به شرکت در مناقصات برگزار شده نیستند و تولیدکنندگان و فروشندگانی هم که مایل به همکاری هستند، ریسک‌های تحریم را به خریدار منتقل می‌نمایند. در این شرایط، شرکت‌های واسطه و یا دلال وارد معاملات می‌شوند و با اعلام شروطی همچون دریافت پیش پرداخت بیش از ۲۵ درصد، بدون ارایه تضمین بانکی، ریسک تصمیم‌گیری را افزایش می‌دهند. محدودیت خرید نفت و محدودیت متقابل فروش فرآورده‌های نفتی و دیگر کالاهای مصرفی، گامی دیگر در جهت اعمال محدودیت مبادلات اقتصادی است. این بخش از تحریم، ابعاد بسیار گسترده‌تری یافته و با توجه به گردش سالانه حدود ۱۲۰ میلیارد دلاری ایران، اثر بزرگی بر بازار نفت و همچنین بازار صادرات کشورهای غربی خواهد گذاشت. اعمال این بخش از تحریم‌ها به سرعت می‌تواند شوک‌های شدیدی را در بخش مصرف انرژی و تولید کشورهای صنعتی ایجاد کرده و به بحران‌های اجتماعی تبدیل

در این سرفصل همچنین می‌خوانید:

۳۲ خواب‌های غفلت

۳۴ پلی بین بخش دولتی و خصوصی

۳۹ انتخابات ایران و پس از آن

۴۰ یکی تو، دو تا من!

۴۲ کاهش رشد اقتصادی، بیکاری و تورم

۴۳ غرب به دنبال معامله با سودان است

شود. از این رو حتی کشورهای کاملاً همراه آمریکا نظیر ژاپن، به دلیل وابستگی بخش عمده تأمین نفت خود به ایران، اجرای این بخش از تحریم‌ها را در کوتاه‌مدت ممکن نمی‌دانند.

اعمال مجازات‌های مالی نظیر بلوکه کردن حساب‌های مالی و مسدود کردن تضمین‌های ارزی بانک مرکزی - به عبارتی فلج کردن مبادلات مالی کشور در جهان - شدیدترین حالت تحریم‌های اقتصادی محسوب می‌شود که به نوعی به توقف کلیه اقدامات بازرگانی دولت منجر می‌گردد. از نمونه‌های آن می‌توان به مشکلات ایجاد شده در صنعت نفت اشاره کرد که در مورد تأمین ضمانت‌نامه شرکت در مناقصه و نیز حسن انجام کار و گشایش LC توسط بانک‌های خارجی و عدم پذیرش بانک‌های داخلی توسط برخی از شرکت‌ها، حضور شرکت‌های ذیصلاح خارجی را در مناقصات با اشکال روبه‌رو کرده است.

آب‌کوبی در هاون هسته‌ای

از مهمترین برنامه‌ریزی‌هایی که در جهت مقابله با تحریم‌های فوق در صنعت نفت صورت گرفته می‌توان به کمک و تشویق شرکت‌ها و صنایع داخلی در ساخت لوازم و تجهیزات مورد استفاده در حفاری چاه‌های نفت و گاز اشاره کرد. با وجود تحریم‌های گسترده اقتصادی، به دلایل عمده زیر، این تحریم‌ها علیه ایران کارا نخواهند بود و موجب عقب‌نشینی از برنامه‌های هسته‌ای نخواهند شد.

نخست عدم اجماع جهانی برای اجرای این تحریم‌ها است، چراکه هیچ نوع تحریمی مؤثر نخواهد بود، مگر آن که اهداف آن در سطح جهانی



و خصوصاً از سوی همسایگان کشور مورد تحریم، مورد پذیرش قرار گیرد. دومین دلیل، آسیب‌پذیر نبودن ایران در برابر تحریم‌های گسترده اقتصادی و اوضاع نابسامان بازار جهانی نفت می‌باشد. در حال حاضر، فاصله میان عرضه و تقاضای جهانی نفت آنقدر اندک است که قطع صادرات نفت ایران، دور از واقعیت به نظر می‌رسد. در نهایت باید گفت عدم چشم‌پوشی جامعه جهانی نسبت به موقعیت اقتصادی و استراتژیک ایران، دیگر دلیل عدم تأثیر تحریم‌های جامعه جهانی بر علیه کشورمان است.

آثار تحریم گسترده اقتصادی

نخستین عارضه تحریم گسترده اقتصادی، کمبود و گرانی بی‌سابقه خواهد بود که برخی نتایج آن را می‌توان در افزایش قیمت بنزین مشاهده کرد. البته در این میان، کالاهای وارداتی سرمایه‌ای که از نیازهای اولیه و ضروری کشور می‌باشند، به شدت تحت تأثیر این تحریم‌ها قرار خواهند گرفت. همچنین ایران برای تأمین واردات ضروری خود - به ویژه تکنولوژی - مجبور می‌شود با مراجعه به بازار سیاه، آنها را با قیمت‌های بالاتری تهیه کند که این اقدام، فشار مالی زیادی را بر دولت و جامعه تحمیل می‌کند. در بخش صنعت، صنایع مادر و صناعی که عمدتاً تکنولوژی و عوامل تولید خود را از سایر کشورها تأمین می‌نمایند و همچنین صناعی که به دیگر کشورها به چشم بازار مقصد می‌نگرند، بیشترین ضربه و آسیب را از تحریم‌های بین‌المللی خواهند دید.

بخش بازرگانی خارجی هم بی‌تأثیر نخواهد بود، چراکه تولیدات صادراتی - علاوه بر گران‌تر شدن مواد اولیه مورد نیاز برای تولید - امکان فروش در بازارهای خارجی را مانند گذشته نخواهند داشت. در شرایط تحریمی، قاچاق و شبه قاچاق به عنوان میکروب‌هایی که در محیط آلوده امکان رشد می‌یابند، افزایش خواهند یافت. همچنین سایر مفاسد و جرایم اقتصادی از جمله فرار مالیاتی، احتکار و خروج ارز نیز به شدت رشد خواهند کرد. به علاوه، در صورت قطع درآمدهای ارزی کشور از فروش نفت، پشتوانه ارزی به شدت کاهش خواهد یافت، زیرا عرضه ارز خارجی محدود می‌شود و برای آن بازار سیاه به راه خواهد افتاد. از طرفی با کاهش درآمد ارزی و نامشخص شدن وضعیت اقتصاد، روند خروج سرمایه از ایران فزونی خواهد یافت. در این روند باید فرصت‌هایی را هم که بر اساس وقوع تحریم از دست می‌روند مورد توجه قرار داد. تجربه امارات یکی از نمونه‌های چنین وضعیتی است. نمونه دیگر، قرارداد شرکت توتال گازپروم و پتروناس با وزارت نفت ایران است که در شرایط

تحریم‌های آمریکا علیه کشورمان منعقد شده است. در این روند، اگرچه ایران موفق گردید تا کارایی این تحریم را کاهش دهد و شرکت‌های دیگری را وارد عرصه همکاری‌های تجاری نماید، اما بخش عمده‌ای از منافع اقتصادی ایران نصیب واحدهای فرادست در اقتصاد جهانی گردید.

راهکارهای پیشنهادی

در حال حاضر برای کلیه پروژه‌ها و طرح‌ها در مقاطع مختلف به منبع تأمین مالی جایگزین نیاز است که حساسیت و وابستگی این طرح‌ها به منابع مذکور، با لحاظ مرحله اجرایی کار در طرح‌های در

مرحله شروع، نیمه کاره و پایان یافته، بنا به مورد، شدت و ضعف خواهد داشت. صنعت نفت با استفاده از فن‌آوری‌های جدید - چه در اجرا و چه در تهیه تجهیزات - وابستگی شدیدی به کالا و تجهیزات پیشرفته داشته که در کوتاه‌مدت، امکان تهیه آن در داخل کشور فراهم نیست. لذا تهیه این ملزومات به طور کلی در زمان بحران‌های سیاسی و نظامی و شرایط عادی، به دلیل نیاز مستمر به این کالاها توجیه اقتصادی داشته و در راستای منافع ملی می‌باشد و ضرورت دارد با مطالعه و بررسی کارشناسی در چارچوب اولویت‌های کشور بدان توجه نمود. ■

انجمن اقتصاددانان

خواب‌های غفلت

گزارش ماهنامه «اقتصاد ایران» از جلسه و سخنرانی انجمن اقتصاددانان، خرداد ۸۸

و اطلاعاتی به قدری گسترده شدند که هزینه‌های مبادلات و تجارت جهانی به شدت پایین آمدند. از طرف دیگر، یک سری آزادسازی در سطح بین‌الملل از طریق نهادهای جهانی رخ داد. خلاصه این که درها به روی کشورهای جهان سوم گشوده شدند. این مسئله سبب شده که در حال حاضر، بازار کشورهای پیشرفته مثل آمریکا با کالاهای کشورهای جهان سوم مثل چین پر شود و در واقع کارگران چینی جایگزین کارگران آمریکایی شوند. این موضوع اصلی‌ترین گلایه کشورهای پیشرفته در جلسات سازمان تجارت جهانی است. تئوری‌های اقتصادی می‌گویند که در اثر آزاد شدن تجارت و فعالیت‌ها، امکان تولید بیشتر با هزینه کمتر فراهم است و این به معنای رفاه برای همه است. با این حال دعوی فعلی بین جهان سوم و جهان اول - چون به عقیده بنده جهان دوم دیگر وجود ندارد - این است که تقسیم منافع حاصل از آزاد شدن تجارت چگونه باید باشد. در بررسی‌هایی که بنده به عمل آورده‌ام، شاهد سه موضوع هستیم: (۱) کشورهایی که قادر به صادرات نیستند، نمی‌توانند خود را از جرگه کشورهای عقب افتاده فراتر ببرند. یعنی هیچ کشوری بدون صادرات نمی‌تواند از رشد و ثبات اقتصادی برخوردار باشد. (۲) رشد صادرات منوط به توان کشورها برای جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی است. (۳) اقتصاد ایران یک اقتصاد بی‌ثبات و تابع نوسانات قیمت نفت است، در حالی که در اقتصاد جهانی این بی‌ثباتی را شاهد نیستیم.

اقتصاد جهانی در دهه ۸۰ با رشد متوسط ۳/۱۷



جولان اقتصادهای نوظهور
سخنرانی دکتر ارسطو امامی
استاد دانشگاه

همان طور که می‌دانید در اواخر دهه ۸۰ با چند پدیده بزرگ رویه‌رو شدیم. پدیده اول، فروپاشی بلوک شرق بود. در آن مقطع دنیا از لحاظ اقتصادی به سه دسته تقسیم شده بود: جهان اول، جهان دوم و جهان سوم. جهان اول، کشورهای سرمایه‌داری و صنعتی، جهان دوم کشورهای غیرسرمایه‌داری و جهان سوم، کشورهای توسعه نیافته و غیرصنعتی بودند. بعد از فروپاشی بلوک شرق، نقشه اقتصادی جهان هم عوض شد، به طوری که کشورهای بلوک شرق سابق، عمدتاً به جهان سوم ملحق شدند و بعد از این رویداد آرایش این سه جهان تغییر کرد. یعنی از یک طرف کشورهای پیشرفته و صنعتی (جهان اول) داشتیم و از طرف دیگر، کشورهای جهان سوم به سه گروه تقسیم شدند که شامل کشورهای پیشرو، کشورهای در حال رشد و کشورهایی که نه پیشرو و نه در حال رشد بودند، می‌شدند. از این زمان بود که اقتصاد راننده و محور حرکت جهان شد و رقابت‌های اقتصادی مطرح شدند. به علاوه، تحولات تکنولوژیکی

درصد در حرکت بوده است. این نرخ در کشورهای